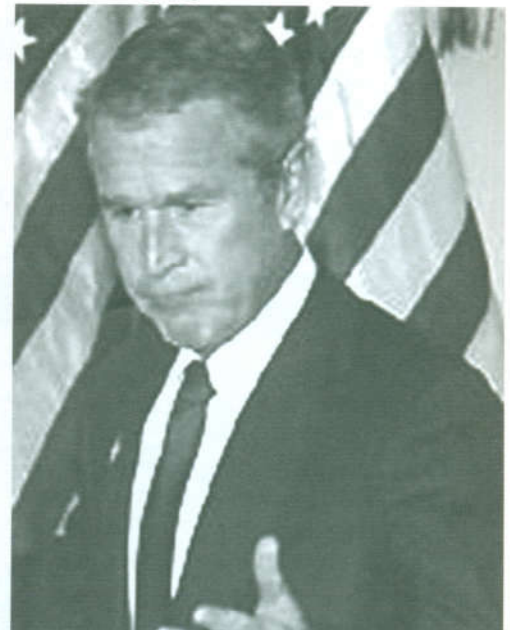




# به اسم دموکراسی؛ به کام آمریکا

گزارش کوتاهی از یک برنامه مستند و پر حاشیه

سید محمد مهدی موسوی



بیگانه برای رسیدن به مقاصد شوم خود سرمایه‌گذاری کلانی در دانشگاه‌ها انجام داده‌اند و به‌خیال خود در انتظار فرارسیدن ۱۸ تیرهای دیگری هستند که تیر فتنه و آشوب را بر کالبد جامعه و نظام بیفکنند. در این اعترافات به این واقعیت تصریح شد که منابع مالی فعالیت مصاحبه‌شونده‌ها از طریق سازمان‌های دولتی رسمی آمریکا از جمله وزارت امور خارجه، کنگره و وزارت دفاع این کشور و یا نهادهای نیمه‌رسمی هم‌چون بنیاد سوروس، بنیاد بروکلین، و صندوق ملی دموکراسی در آمریکا تأمین می‌شده است.

## آن سوی حقیقت چه بود؟

یکی از نکته‌های مهم پنهان این فیلم مستند این بود که تمامی طرح‌های به‌اصطلاح دموکراسی‌خواهی در دولایه قرار داشتند؛ لایه آشکار، یک برنامه عادی و معمولی بوده ولی در لایه پنهان، مقاصد بسیار خطرناک جاسوسی و برنامه‌ریزی برای براندازی نرم حاکمیت ایران قرار داشته است. هم‌چنین این فعالیت‌های جاسوسی در قالب یک سری شبکه‌های ارتباطی تحت پوشش گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی (NGOها) به‌صورت منسجم و هماهنگ در چند کشور کنترل و هدایت شده است.

این فیلم مستند به روشنی نشان داد که بسیاری از مؤسسات آمریکا که از دانشجویان خارجی مرتبط با بنیادهای سوروس، ویلسون و... استفاده می‌کنند، تحت نظارت و هدایت اشخاصی قرار دارند که به نهادهای اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا وابسته هستند، و نکته دیگر آن که فعالیت‌های بنیادهای به‌ظاهر غیرسیاسی در آمریکا و غرب کاملاً در جهت اهداف و سیاست‌های دولتمردان آمریکایی است و با این اوصاف، در حقیقت اساساً نهاد و بنیاد مستقلی در آمریکا و غرب وجود ندارد!

## مهم‌ترین اهداف طراحان جنگ نرم در ایران

وظیفه اصلی و مهم‌ترین هدف این گروه در ایران، ایجاد شکاف میان ملت و حاکمیت از طریق جذب و سازماندهی افرادی خاص و راه‌اندازی جنگ روانی

همین چند هفته پیش بود که آنونس تبلیغاتی فیلم مستند «به اسم دموکراسی» دربارهٔ اعترافات چندعامل بیگانه درخصوص طرح براندازی نرم، حساسی غربی‌ها به‌ویژه مقامات آمریکایی را کلافه و عصبانی کرد. «به اسم دموکراسی» که در دو قسمت از شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد، شاید اولین برنامه مستندی بود که به‌طور کاملاً تحقیقی به بررسی ماهیت انقلاب‌های رنگین و مخملین از یک‌سو و تلاش‌های عملی آمریکا در تکرار این تجربه در منطقه خاورمیانه و به‌ویژه در ایران پرداخت. نکته جالب این که این برنامه در خارج از کشور و در رسانه‌های غربی بازتاب گسترده‌تری داشت به‌طوری که تنها ساعتی پس از آغاز پخش آگهی این برنامه، سخنگوی کاخ سفید به آن واکنش نشان داد.

اما با وجود هیاهوی بسیار رسانه‌های غربی و به‌ویژه آمریکایی، پخش این مستند رسوایی دیگری برای آمریکا رقم زد چراکه با طرح اعترافات دست‌اندرکاران انقلاب‌های نرم توانست ماهیت اصلی نهادهای به‌ظاهر تحقیقاتی و علمی آمریکایی و در حقیقت سرویس‌های جاسوسی و براندازی را افشا کند.

البته آن چه سه مأمور بازداشت‌شدهٔ سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی یعنی هاله اسفندیاری، کیان تاج‌بخش و رامین جهاننگلو که دارای ارتباط‌های فامیلی و کاری با خاندان رژیم منحوس پهلوی به‌ویژه شخص فرح پهلوی بودند، طی دو برنامه تلویزیونی به آن اعتراف کردند تنها بخش اندکی از گزارش‌هایی بود که پیش از این و طی سالیان گذشته گاه و بیگاه در رسانه‌های نوشتاری کشور منعکس می‌شد اما این بار از نوع و جنس دیگری بود.

## دانشجویان در کانون هدف

اعترافات این افراد اولا نشان داد که پایگاه عملیاتی آن‌ها در مجموعه‌ای از مطبوعات و محافل به اصطلاح روشنفکری قرار داشته است که در غالب آن‌ها مباحثی مبتنی بر ترویج فرهنگ حکومتی غرب یعنی لیبرال دموکراسی از نوع آمریکایی آن مطرح می‌شده است. این دو برنامه تلویزیونی به‌خوبی نشان داد که عوامل



# حسن نیت

صد هزار مرتبه شکر که بالاخره علت شکست تیم ملی فوتبال را دانستیم و باز دهن مریزاد (چون حرف زده، کاری که با دست انجام نداده که بگویم دست مریزاد) به وزیر امور خارجه عربستان که با مصاحبه‌ای که در کنار مادام رایس انجام داد راز این معما را گشود و ما را راهنمایی کرد و گرنه مسئولین ورزشی ما و دست‌اندرکاران تیم ملی فوتبال ما آن قدر نجیب، سربه‌زیر و با حجب و حیا هستند که صدا تا این شکست بدتر هم بخورند لام تا کام حرفی نمی‌زنند و مسئولیت را به عهده نمی‌گیرند و صدا کمیته بررسی علل شکست هم تشکیل بدهند عمرا نتیجه‌اش بیرون (به‌ویژه برای افکار عمومی) درز پیدا نمی‌کند.

ماجرای این قرار است که شیخ سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با رایس و گیتس (وزیر خارجه و دفاع آمریکا) در ریاض در مقابل اتهام انتقال تروریست‌ها از خاک کشورش به عراق و حمایت عربستان از آنها و دخالت آن کشور در امور عراق گفته:

«شکست فوتبال ما از عراق نشانه حسن نیت ما در برابر دولت بغداد است»\*

با کمی دقت در افاضات جناب وزیر به نکاتی ظریف پی می‌بریم و اگر کمی ضریب هوشمان بالا باشد با یک قیاس مع‌الفارق! به علت شکست تیم ملی کشورمان نیز پی‌می‌بریم:

بله، درست حدس زدید: حسن نیت. همان‌طور که عربستان برای اثبات حسن نیتش در قبال عراق گذاشت تا عراقی‌ها یک گل وارد دروازه آنها بکنند و جام قهرمانی را به کشورشان ببرند و به این ترتیب هم حال تروریست‌ها را گرفت و هم باعث شد آنها از عصبانیت بین مردم، که خوشحال از پیروزی تیم ملی کشورشان داشتند شادی می‌کردند، بمب بترکانند ما هم برای اثبات حسن نیتمان به کره جنوبی و نشان دادن تنفرمان از تروریست‌ها و دهن‌کجی به طالبان در افغانستان گذاشتیم تا کره‌ای‌ها از ما ببرند و حال ربایندگان ۲۳ کره‌ای‌ها در افغانستان گرفته شود. (حالا نمی‌خواهید مته به خشخاش بگذارید و بگویید باخت شما قیل از گروگانگیری کره‌ای‌ها بود به‌هرحال در دنیای ناامن ما این‌گونه مسائل به‌ویژه برای مسئولان باهوش ما قابل پیش‌بینی بود.)

اما در این‌جا یک مسئله حل نشده می‌ماند که ما هرچه فکر کردیم نتوانستیم جوابش را پیدا کنیم و آن این است که تیم‌های فوتبال ازبکستان و مالزی درجه رابطه‌ای حسن نیت نشان داده و به تیم ملی ما باختند؟

سردبیر اضافی

\*به نقل از جراید پنجشنبه ۱ مرداد ۸۶



مادر خود به ایران رفته و دستگیر شده است، صورت مساله را پاک کنند

## تأسف از برخی خودی‌ها!

برخی از روزنامه‌های داخلی که در گذشته و حال سابقه‌ای طولانی در حمایت از این افراد دارند، تقریباً موضع سکوت در پیش گرفتند و برخی از آنها حتی اشاره کوتاهی به این مساله مهم و ملی نکردند، و متأسفانه برخی از احزاب هم چون حزب مشارکت عملاً و آشکارا با پخش این مستند اعلام مخالفت کردند. در آن سو رسانه‌های بی‌طرف و یا موسوم به جبهه اصولگرا نیز دو واکنش به این مساله از خود نشان دادند:

(الف) روزنامه‌هایی هم چون کیهان ضمن پوشش کامل رسانه‌ای این اعترافات حتی از این مساله دلخور بودند که چرا اعترافات این قدر دیر پخش شد و به‌قولی آن‌را به «نوشداروی پس از مرگ سهراب» تشبیه کردند. روزنامه‌های دیگر هم چون جام‌جم، ایران، رسالت و... نیز کم‌وبیش به تشریح و تحلیل ابعاد مختلف آن پرداختند.

(ب) در این میان بودند روزنامه‌ها و رسانه‌هایی که حتی این اقدام جسورانه وزارت اطلاعات را سرزنش کرده و به مسئولان صدا و سیما به دلیل پخش این برنامه خرده گرفتند. برای مثال سایت معرّف و البته فیلتر شده بازتاب، به بهانه این که پخش اعترافات آنها قانونی نیست! سعی کرده بود به نوعی این اعترافات را زیر سؤال ببرد و خواسته یا ناخواسته همسو با عوامل بیگانه، صورت مساله را پاک کنند.

... و اینک که آمریکا و همدستانش بار دیگر به خواسته خود نرسیدند این سؤال مهم مطرح است که آنها برای آینده چه مهره‌ای را در کدام بازی به کار خواهند گرفت، این جاست که هوشیاری همگانی، همیشه و همه‌جا ضروری و کارساز است.

تبلیغاتی در جامعه برای تضعیف دولت ایران بوده است. یادمان نرفته که مقام معظم رهبری طی یکی دوسال اخیر، بارها و بارها نسبت به طرح جنگ روانی دشمنان در قالب ناتوی فرهنگی هشدار داده بودند و اینک عملاً می‌بینیم که تمام آن دغدغه‌ها کاملاً به‌جا و درست بوده است.

## واکنش غربی‌ها چگونه بود؟!

قسمت جالب‌تر ماجرا چگونگی واکنش رسانه‌های داخلی و خارجی به این ماجرا بود:

(الف) خبرگزاری فرانسه: هاله اسفندیاری، کیان تاج‌بخش و رامین جهانگللو در این برنامه تلویزیونی از تماس‌های خود با نهادهای آمریکایی خبر دادند که هدف نهایی آن‌ها ایجاد تغییرات در جمهوری اسلامی است.

(ب) خبرگزاری آلمان: در برنامه تلویزیونی به اسم دموکراسی به‌طور غیرمستقیم نشان داده شد که آن‌ها (سۀ نفر مصاحبه‌شونده) در تلاش برای به راه انداختن انقلاب در ایران بوده‌اند.

(ج) روزنامه گاردین: این سه نفر به وضوح به دخالت خود در اجرای طرح‌های تحت حمایت آمریکا در ایران اعتراف کردند.

(د) خبرگزاری رویترز: این حقیقت که کنگره آمریکا بودجه‌ای در اختیار بنیاد سوروس قرار داده است نشان می‌دهد که دولت آمریکا و بنیاد سوروس از دیدگاه‌های مشابه در مورد ایران برخوردارند.

## اشک تمساح هم فایده‌ای نداشت!

اعتراف این رسانه‌های غربی درحالی بود که شبکه‌های آمریکایی سی‌ان‌ان و فاکس نیوز، هم داستان با دولت آمریکا می‌کوشیدند با وارونه نشان دادن اصل ماجرا و به‌ویژه نمایش مصاحبه ترجمه‌برانگیز دختر هاله اسفندیاری مبتنی بر این که مادرش صرفاً برای عیادت از

